

تطبیق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با مبانی فقهی مصرف انفال (مورد مطالعه: خوراک گاز صنعت پتروشیمی)

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۰۸

محمد هادی زاهدی وفا *

حسینعلی سعدی **

امیر محمدرحیمی ***

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در خصوص انفال، کشف سیاست‌های شرعی مرتبط با مصرف آن و نوع مالکیت آن است. ساختار مالکیت در جهت دادن به کیفیت و شیوه تولید و مصرف بهینه از انفال، بسیار مهم است. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز اصول و ضوابطی جهت استفاده درست و تخصیص بهینه از این منابع وجود دارد؛ ولی آیا این سیاست‌ها در خصوص نحوه تخصیص و مصرف، منطبق با مبانی برگرفته شده از فقه می‌باشد. اثبات این ادعا ضرورت توجه به این سیاست‌ها را در نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی دوچندان می‌کند. دیگر اینکه وضعیت موجود صنعت پتروشیمی به عنوان یکی از مصارف انفال با این اهداف و مقاصد چقدر فاصله دارد.

بر این اساس، این تحقیق با روش توصیفی - استنباطی به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که: بر اساس مبانی فقه امامیه، مالکیت انفال به ویژه گاز طبیعی چگونه است؟ ضوابط مصرف و تخصیص آن بر اساس فقه امامیه چیست؟ آیا این ضوابط منطبق بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد؟ نتایج نشان می‌دهد اصول و ضوابط مستخرج از مبانی فقه شیعه در خصوص مصرف انفال به نحوی قابل مقارنه با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بوده و اجرای این سیاست‌ها تضمین‌کننده رعایت سیاست‌های شرعی در این خصوص می‌باشد. در خصوص مورد مطالعه نیز، وضعیت موجود تخصیص گاز طبیعی به صنعت پتروشیمی با مقاصد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی یعنی تکمیل زنجیره ارزش و صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا، فاصله دارد.

واژگان کلیدی

انفال، مالکیت انفال، ضوابط مصرف انفال، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، خوراک گاز،

صنعت پتروشیمی

طبقه‌بندی JEL: P40, O13, Q28

zahedi@isu.ac.ir

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

saadi@isu.ac.ir

** استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

mohammadrahimi@isu.ac.ir

*** دانشجوی دکترای مدیریت قراردادهای نفت و گاز دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

دین اسلام انفال را به عنوان یک منبع مالی قابل توجه، برای رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. بررسی مالکیت این ثروت‌ها و چگونگی آن از مباحثی است، که تأثیر مهم در بهره‌برداری درست و بهینه از این سرمایه بزرگ و خدادادی دارد.

گاز طبیعی به عنوان یکی از مصادیق انفال با ویژگی‌های مهمی مانند قابلیت دسترس، ارزانی و آلاینده‌گی کم دارای تنوع مصرف بیشتری نسبت به سایر مصادیق در ایران می‌باشد. در حال حاضر این ماده مصارف مختلفی دارد که یکی از آن‌ها تخصیص آن به صنعت پتروشیمی جهت استفاده به عنوان خوراک می‌باشد. صنعت پتروشیمی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی که در تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی راه‌گشا خواهد بود، از متقاضیان اصلی گاز طبیعی جهت تولید محصولات خود می‌باشد. این صنعت در سال‌های گذشته مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی شده است.

تخصیص بهینه گاز طبیعی به مصارف مختلف به خصوص صنعت پتروشیمی در جهت حداکثر نمودن بهره‌گیری از آن یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید مورد توجه مسئولان این عرصه قرار گیرد. معیارها و ضوابط مصرف این موهبت الهی تحت تأثیر نوع دیدگاه نسبت به مالکیت آن می‌باشد. از دید برخی از صاحب‌نظران با توجه به تمایز بین مالکیت عمومی و دولتی، ضوابط و ملاک‌های مصرف نیز در صورت قائل شدن به هر یک از این موارد، متفاوت می‌گردد. به عنوان مثال در صورتی که مالکیت عمومی پذیرفته شود آنگاه همه در استفاده از آن برابرنند. در این صورت طبق روایات هر کس بر آن سبقت بگیرد، می‌تواند به قدر نیاز از آن بهرمنند گردد و در صورتی که جزء اموال دولتی محسوب شود این منابع در اختیار حاکم جامعه اسلامی و مطابق با مصلحت مصرف می‌شود. به عبارت دیگر اگر مالکیت امام پذیرفته شود نتیجه این می‌شود که امام می‌تواند آن را به هر که خواست اقطاع کند و امکان واگذاری آن وجود دارد ولی اگر ملک جمیع مسلمین باشد آنگاه امام نمی‌تواند آن را اقطاع نماید. ضوابط و سیاست‌های مصرف نیز با در نظر گرفتن هر یک از این دو نوع مالکیت متفاوت می‌گردد (عمیدی، ۱۴۱۶ق، ۷۱۳؛ مهدوی کنی، ۱۳۷۹، ۱۵۲).

در خصوص گاز از آنجا که بعضی از محققان استخراج آن را کم هزینه و همراه با نفت عنوان نموده‌اند مطابق با تقسیم‌بندی معادن آن را جزء معادن ظاهری عنوان کرده و مالکیت آن را به عموم مسلمین تخصیص داده‌اند (امانی، ۱۳۸۹، ۴۷، اعتمادی، ۱۳۹۲، ۱۱-۱۳). بر این اساس این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - استنباطی به دنبال پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱. بر اساس مبانی فقه امامیه، مالکیت گاز طبیعی چگونه است؟
۲. ضوابط مصرف و تخصیص آن بر اساس همان مبانی به مصارف مختلف به خصوص برای یک مورد آن که صنعت پتروشیمی می‌باشد، چیست؟
۳. آیا امکان تطبیق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با ضوابطی که از مبانی فقهی استخراج شده است وجود دارد؟ این تطبیق به چه نحوی و چگونه خواهد بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد معیارها و شاخص‌هایی که از چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی استخراج می‌گردد قابل تطبیق با ضوابط مصرف انفال می‌باشد که بر گرفته از مبانی فقهی است.

۱. پیشینه تحقیق

در خصوص معیارها و ضوابط مرتبط با مصرف انفال دیدگاه‌های متفاوتی در میان صاحب‌نظران وجود دارد. دلیل اصلی اختلاف را می‌توان تفاوت در نوع نگاه به مالکیت و حدود و ساختار آن بیان کرد. ساختار مالکیت در جهت دادن به کیفیت و شیوه تولید، توزیع، مصرف و بهره‌برداری بهینه از منابع انفال، نقش بسیار مهم و کلیدی دارد. فقها در تعیین ساختار مالکیت با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، به دو گروه تقسیم شده‌اند. برخی مانند قاضی ابن برّاج در المذاهب و علامه حلی در تذکرة الفقهاء، در ترسیم آن قائل به وجود سه مالکیت شده‌اند؛ یعنی در کنار مالکیت عمومی، مالکیت امام (دولتی) را به عنوان مالکیت سوم قرار می‌دهند و برخی نیز مانند آیت‌الله منتظری در دراسات و آیت‌الله مؤمن قمی در الولایه الالهیه قائل به وحدت این دو مالکیت بوده و هر دو را یکی می‌دانند.

منتظری (۱۴۰۸، جلد ۴: ۲۰) در کتاب دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه بیان می‌دارد «و ما بین اینکه مال برای امام به عنوان اینکه امام است و بین اینکه برای مسلمانان است به عنوان مسلمانان فرق اساسی نمی‌بینیم، زیرا سرپرست مسلمانان و کسی که عهده‌دار مصرف مال آنان در مصالحشان است همان امام است، و آنچه در دست امام است نیز در مصارف شخصی او به مصرف نمی‌رسد مگر مقدار کمی از آن، که آن هم خود از مهم‌ترین مصالح عمومی است».

در خصوص ساختار مالکیت و اقسام آن تحقیقات مختلفی نیز انجام شده است. به عنوان نمونه امانی (۱۳۷۹) در کتاب خود تحت عنوان «حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت» ضمن بیان تعاریف معدن و تفکیک بین معادن ظاهری و باطنی، نفت و گاز را جزء معادن باطنی دانسته و بین مفهوم مالکیت عمومی و انفال تمایز قائل شده است. وی با بیان ادله نفت و گاز را جزء انفال دانسته و از این رو اقطاع آن را توسط حاکم جایز دانسته است. در این کتاب ادله‌ای مبنی بر خروج منابع نفت و گاز از مالکیت عمومی قید نگردیده و صرفاً به اثبات دخول نفت و گاز تحت رژیم انفال متعرض شده است (امانی، ۱۳۸۹، ۵۵).

فراهانی فرد (۱۳۸۵) در بخش اول مقاله خود مالکیت منابع طبیعی را از نظر فقها مطالعه کرده است. وی با بیان اختلاف بین فقها در خصوص مفهوم معادن ظاهری و باطنی و مالکیت آن به بیان آراء آنان پرداخته است (فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ۱۱).

حبیبی و نجار زاده (۱۳۸۸) نیز در مقاله خود بین انفال و اموال عمومی تمایز قایل شده و ضمن بیان وجوه افتراق و تشابه این دو ملاک تصرف در انفال را اذن امام و در اموال عمومی را تصویب قانون‌گذار بیان کرده‌اند (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۸، ۶۵). در تحقیقات این باب نوع نگاه و تفاوت دیدگاه به انواع مالکیت و همچنین مالکیت انفال منجر به تفاوت نظر در خصوص تعیین تکلیف مالکیت مصادیق انفال گردیده است. در این تحقیق به کمک مبانی فقهی و اصولی نظریه وحدت مالکیت امام و مسلمین در انفال اثبات گردیده و با تعریف ملک به معنای تدبیر و اداره و در نظر گرفتن فضای صدور، تعارض روایات باب حل گردیده است.

وزیری فرد (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «حدود و مالکیت انفال در پرتو آیات حکیم» با قید دولتی بودن انفال آن را از مالکیت عمومی جدا نموده است. در تحقیقات این باب نوع نگاه و تفاوت دیدگاه به انواع مالکیت و همچنین مالکیت انفال منجر به تفاوت نظر در خصوص تعیین تکلیف مالکیت مصادیق انفال گردیده است. در این تحقیق به کمک مبانی فقهی و اصولی نظریه وحدت مالکیت امام و مسلمین در انفال اثبات گردیده و با تعریف ملک به معنای تدبیر و اداره و در نظر گرفتن فضای صدور تعارض روایات باب حل گردیده است.

در این تحقیق از آنجا که به علت تقسیم‌بندی فقهی معادن بعضی از مصادیق معادن را جزء معادن ظاهری دانسته‌اند و مالکیت آن را نیز به مسلمین اختصاص داده‌اند؛ ضمن بیان اقسام مالکیت با بیان استدلال، اتحاد مالکیت دولتی و عمومی پذیرفته شده و مبانی تعیین سیاست‌های شرعی توزیع انفال قرار گرفته است. به نظر نگارنده تحقیقات مرتبط با این موضوع که سابقاً تدوین گردیده‌اند، نوعاً از یک منظر به برخی ابعاد موضوع پرداخته‌اند. بعضی از تحقیقات عدالت درون نسلی و برخی بین نسلی را ملاک توزیع انفال مطرح نموده‌اند و به دلیل تفاوت در سؤالات و اهداف، جامعیت لازم در پاسخگویی به سؤالات مدنظر در این تحقیق را نداشته‌اند. نوآوری این تحقیق در این بخش تکمیل تحقیقات گذشته در خصوص بیان ضوابط و معیارهای مصرف انفال می‌باشد که در کنار آن با ذکر یکی از مصادیق (گاز) به فهم این ضوابط کمک کرده است. ضمن اینکه با تطبیق ضوابط مصرف این مصداق با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به بیان مبانی فقهی این سیاست‌ها پرداخته است.

۲. روش تحقیق

در این تحقیق که از نظر هدف، در حیطه پژوهش‌های کاربردی می‌باشد ابتدا به کمک مطالعات کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات مربوط به موضوع پرداخته و به منظور شناخت بیشتر و پاسخ به سؤالات، وضعیت فعلی در صنعت گاز و پتروشیمی و فاصله آن با وضعیت مطلوب را مورد بررسی قرار داده است. مبتنی بر روش استنباطی و بررسی منابع فقهی (قرآن، احادیث، سیره و آرای فقها و اندیشمندان اسلامی)، با مطرح

نمودن نظریه وحدت مالکیت مسلمین و امام به این نتیجه می‌رسد که با این استدلال حتی با فرض پذیرش مالکیت عمومی گاز باید ضوابط مصرف انفال را در خصوص آن رعایت نمود. در این بخش با توجه به تعارض ادله از علم اصول فقه در خصوص تقابل ادله احکام و روش‌های رفع آن استفاده گردیده است. در مورد این تحقیق توجه به فضای صدور روایات تا حدی راه‌گشاست ضمن اینکه در برخی از روایات تفاوت در مفهوم تعابیر منجر به ایجاد تعارض می‌شود که با اصلاح آن دیگر لازم به توجیه یا طرح روایات متعارض نیست. سیره اهل‌بیت نیز می‌تواند به عنوان مؤید نظریه قرار گیرد که در این خصوص نیز بحث خواهد شد. پس از اثبات نظریه وحدت مالکیت امام و مسلمین در انفال به کمک ادله روایی و عقلی به استنباط اصول و سیاست‌های شرعی مصرف آن پرداخته می‌شود. در ادامه با تسری سیاست‌های مستنبطه به یکی از مصادیق انفال ضوابط قیمت‌گذاری و مصرف در این مصداق مطرح خواهد شد.

گام بعدی در روش انجام این تحقیق انجام یک مطالعه موردی است. مورد مطالعه در این تحقیق بررسی وضعیت موجود صنعت پتروشیمی به عنوان یکی از مصرف‌کنندگان اصلی انفال می‌باشد. با توجه به ضوابط استخراج شده در خصوص مصرف انفال و ضمن بررسی تطبیق آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به بررسی میزان عمل به این ضوابط در تخصیص گاز خوراک به این صنعت پرداخته شده است.

۳. ادبیات موضوع

۳-۱. اقسام مالکیت

۳-۱-۱. مالکیت خصوصی

مقصود رابطه‌ای است اختصاصی بین فرد انسان با مال که منع دیگران را از انتفاع موجب می‌شود، یا به شکلی است که مداخله دیگران را جز در صورت ضرورت و موارد استثنایی، در آن مال محدود می‌کند. مانند مالکیت انسان نسبت به آبی که از رودخانه یا هیزمی که از جنگل به دست می‌آورد. از نظر شهید صدر، سبب اصلی مالکیت خصوصی، کار است، زیرا اظهار می‌دارد: «آنگاه که اسلام، براساس تمایل طبیعی انسان مقرر داشت

که کار سبب مالکیت است و از این رهگذر کار را وسیله اصلی توزیع ثروت به حساب آورد، به دو نتیجه رسید: یکی تجویز پیدایش مالکیت خصوصی در زمینه اقتصادی و دیگری محدودیت مالکیت خصوصی» (صدر، ۱۴۲۴ ه.ق، ۴۳۴).

۳-۱-۲. مالکیت عمومی

اموالی هستند که هیچ فرد خاصی، مالک آنها نیست تا بتواند به نحو دلخواه در آن تصرف کند؛ بلکه ملک همه مسلمانان است؛ خواه آنانکه در قید حیاتند و خواه آنانکه هنوز به دنیا نیامده‌اند (حقانی زنجانی، ۱۳۷۴، ۳۴). در مالکیت عمومی، اجازه تصرف و بهره‌برداری عموم مردم (اعم از مسلمان و غیر مسلمان که تابعیت دولت اسلامی را دارند) در ثروت‌های عمومی با نظارت مستقیم دولت وجود دارد؛ به همین سبب تحت نظارت ولی امر مسلمانان قرار می‌گیرد تا به گونه‌ای مناسب به افراد واگذار، و درآمد حاصل از آنها به صورت ملک عموم مسلمانان، در راه‌هایی صرف شود که نفع آن، عاید عموم مسلمانان شود (محمود البعلی، ۲۰۰۰، ۷۸). یکی از فلسفه‌های وجودی که برای این نوع مالکیت مطرح شده، احترام به مصالح آیندگان است؛ زیرا اگر ملکی جزو اموال عمومی باشد، دغدغه اینکه مسلمانان آینده نیز در آن سهم هستند، مالک را به استفاده از ملک به اندازه رفع نیاز و مواظبت و نگهداری از آن برای آیندگان ملزم می‌کند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ۱۰۹).

به نظر می‌رسد اسلام مالکیت عمومی را تأسیس کرده باشد.

۳-۱-۳. مالکیت دولتی

مقصود از «مالکیت دولتی»، «مالکیت حکومت اسلامی» یا «مالکیت امام» است. این نوع مالکیت، مالکیت منصب امامت و رهبری امت اسلامی است، نه مالکیت شخص امام؛ زیرا این نوع مالکیت از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود، نه به وارثان او (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ۱۰۴) از دیدگاه اسلام، در رأس دولت، شخصیت امام معصوم یا ولی فقیه قرار می‌گیرد (سبحانی، ۱۳۷۸، ۵۱ و ۵۴). از نگاه شهید صدر وجه تمایز مالکیت دولتی با عمومی از جنبه‌های متعدد می‌باشد: مالک در ملکیت عمومی «امت» است و در دولتی منصب امامت مالک است. تفاوت دیگر در نحوه

استفاده از اموال است؛ اموال و ثروت‌های عمومی باید صرف مصالح عمومی شود و بنابراین استفاده آن‌ها برای مصالح جزء معینی از جامعه به عنوان مثال فقراء مجاز نخواهد بود و ولی در اموال دولتی ولی امر می‌تواند علاوه بر مصالح عموم این اموال را در مصالح بخش‌هایی از جامعه نیز مصرف نماید (صدر، ۱۴۲۴ ه.ق، ۶۶).

۴. مالکیت انفال و نظریه وحدت مالکیت عمومی و مالکیت امام

فقها در تعیین ساختار مالکیت با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، به دو گروه تقسیم شده‌اند. گروه اول که بیشتر از فقهای متأخر می‌باشند مانند قاضی ابن برّاج در المذاهب^۱ و علامه حلی در تذکرة الفقهاء^۲، در ترسیم آن قائل به وجود سه مالکیت همان‌طوری که شرح داده شد، شده‌اند؛ یعنی در کنار مالکیت عمومی، مالکیت امام (دولتی) را به عنوان مالکیت سوم قرار می‌دهند و برخی نیز که بیشتر از فقهای متقدم می‌باشند مانند آیت‌الله منتظری در دراسات^۳ و آیت‌الله مؤمن قمی در الولاية الالهيه^۴ قائل به وحدت این دو مالکیت بوده و هر دو را یکی می‌دانند. که به نظر می‌رسد با توجه به ادله گروه دوم و اینکه مالکیت امام را باید سلطه و ملک دانست نه ملک شخصی، نباید قائل به تفکیک مالکیت عمومی و مالکیت امام شد.

در خصوص انفال، طبق تصریح آیات قرآن کریم ملکیت اصلی انفال از آن خدا و رسول او می‌باشد:

«يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» (انفال: ۱)

شکی نیست که مالکیت انفال به خاطر شؤن حکومتی، بعد از پیامبر (ﷺ) به امام می‌رسد و بدون اذن او، کسی حق تصرف ندارد.

نص فوق به همراه روایات موجود در تفسیر آن مبنای نظریات فقهی قرار گرفته است.

۱. جلد اول، صفحات ۱۸۲ تا ۱۸۶

۲. صفحه ۴۰۲

۳. جلد ۱، صفحه ۹۳

۴. جلد ۲، صفحه ۵۲

عده‌ای از فقها به استناد بعضی از روایات مالکیت برخی از مصادیق انفال را از مسلمین دانسته‌اند. به این صورت که بین مالکیت مسلمین و مالکیت امام تفکیک قائل شده‌اند. ادله این فقها اشاره به روایات این باب است که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌آید:

محمد بن حلبی می‌گوید از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسیدند زمین‌هایی که باغ و درخت دارد چه شأنی دارد و برای چه کسی است. امام صادق (علیه السلام) در جواب فرمود برای جمیع مسلمین است چه آن‌هایی که امروز هستند و چه آن‌هایی که بعداً مسلمان می‌شوند و چه آن‌هایی که هنوز خلق نشدند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، باب ۱۸، ۳۴۰). صحیحہ سلیمان بن خالد عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: «سألته عن مملوک اعتق سائبة قال: ... يجعل ماله فی بیت مال المسلمین» (الکافی ج ۷: ۱۷۲، عاملی، ج ۲۳، ۷۳ و ج ۲۶، ۲۴۴ و ۲۵۴).

در صورتی که برده به سبب کفاره یا نذر و مانند آن آزاد شود، «سائبه» خواهد بود و مولایش بر او ولایی ندارد. طبق دستور امام در روایت بالا ارث این برده را چون وارثی ندارد باید در بیت‌المال مسلمین قرار داد.

طبق روایت بالا ارث بدون وارث به مسلمین تعلق دارد درحالی‌که روایات صحیحہ دیگری وجود دارد که طبق آن ارث بدون وارث را به امام مسلمین و در روایت دیگری به همشهریان وی می‌دهد:

«سألت أبا جعفر (علیه السلام) عن السائبة، قال: ... فأن ولاءه للامام وجنایته علی الامام ومیراثه له» (طوسی، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

مطابق روایت بالا همان‌طوری که جنایت سائبه بر امام است ارث وی نیز از آن امام است. «عن أبی عبدالله (علیه السلام) قال: کان علی (علیه السلام) یقول فی الرجل یموت ویترک مالا ولیس له أحد اعط المیراث همشاریجه».

روایت بالا که از خلاد نقل شده حضرت علی (علیه السلام) دستور می‌دهد که ارث بدون وارث را به همشهریان آن شخص بدهند.

همان‌طور که از روایات بالا به دست می‌آید مثلاً در مورد ارث بدون وارث سه حکم وجود دارد که خلاف حکمت است. به منظور جمع نمودن این روایات گروهی

از فقها قائل به اتحاد مالکیت امام و مالکیت مسلمین شده‌اند. ادله این فقیهان به این ترتیب بیان می‌شود:

۱. با دقت در فضای صدور روایات بالا در می‌یابیم که طرح مسئله ملکیت مسلمین به منظور بستن دست خلفای جور وقت در حیف و میل کردن اموال عمومی است. مثلاً معاویه با بیان «المال مال الله و أنا خلیفه الله» اجازه هر دخل و تصرفی را در انفال به خود می‌داد که باعث شد امام علی (علیه السلام) جهت حفظ مصالح امت اسلامی مسئله مالکیت عمومی مسلمین را مطرح کند تا جلوی توجیه معاویه گرفته شود و وی حق تصرف مال الله را نداشته باشد و رعایت غبطه مسلمین را بکند (طباطبائی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۶۵).

۲. انفال ملک شخص امام نیست، بلکه در ملک امام بما آنه امام است. یعنی ملک شخصی امام نیست تا بعد از وفات امام جزء اموالی باشد که به وراثت امام به ارث برسد؛ بلکه انفال در اختیار «مقام امامت» است که آن را در مصالح مسلمین صرف کند. بنابراین آنجایی که اموالی مال مسلمین است، کسی که ولی تصرف است باز هم امام است. یعنی بیت‌المال هم در اختیار امام است که در مصالح مسلمین خرج می‌کند و عملاً فرقی ندارد. یا جایی که می‌فرماید ارث بدون وارث را به همشهری‌هایش بدهید به خاطر اختیار امام است و امام حسب مصالحی آن را در این امر هزینه فرموده است. بله؛ از نظر عنوان، معنون به دو عنوان «انفال» و «بیت‌المال مسلمین» می‌شود؛ ولی از نظر عمل خارجی دیده می‌شود که هر دو در دست امام قرار می‌گیرد و بر اساس مصلحت‌اندیشی ایشان صرف می‌گردد و لذا از این جهت هیچ فرقی با هم ندارند.

۵. نحوه توزیع و مصرف انفال در عصر غیبت

همان منصب امامت و رهبری جامعه اسلامی که از آن امامان معصوم (علیهم السلام) در زمان حضور بود، در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) به عهده رهبری واجد شرایط است و در این فرض او والی، زعیم و پیشوای جامعه اسلامی است و همه دلایل و شواهدی که نشان می‌داد در زمان حضور، انفال به منصب امامت و ولایت تعلق دارد، این نکته را نیز اثبات می‌کند که انفال در زمان غیبت در اختیار رهبر جامعه اسلامی است.

یکی از سؤالاتی که در این حوزه مطرح است این است که آیا شارع برای توزیع و مصرف انفال ضابطه‌ای مطرح کرده است؟ نحوه توزیع انفال در زمان غیبت که در اختیار رهبر جامعه اسلامی است، چگونه می‌باشد؟

به منظور جواب به سؤالات فوق ابتدا باید تفکیکی بین زمان حضور امام معصوم و زمان غیبت و اداره جامعه توسط ولی فقیه قائل شد. فقهای امامیه به استناد روایت: «الانفال للامام یضعه حیث یشاء» و یا «حیث یحب» مصرف انفال را چه از حیث موارد مصرف و چه از حیث چگونگی و کیفیت مصرف در اراده و مشیت امام می‌دانند. نتیجه‌ای که می‌توان از قید «حیث یشاء» گرفت، باز بودن دست امام و والی در مصرف انفال البته در مصالح جامعه اسلامی است. بر این اساس ضرورتی ندارد که این جمله را مخصوص دوره حضور دانسته و معتقد بشویم که علت صدور این حکم، عصمت امامان (علیهم‌السلام) است. همچنانکه در برخی نصوص گذشت، به جای امام کلمه «والی» آمده ضمن اینکه امام هم بر امام معصوم دلالت ندارد (منتظری، ۱۴۰۸.ه.ق، ج ۱، ۹۲). در انفال از آنجا که امام مالک تصرف آن است با آوردن این قید یعنی «یضعه حیث یشاء» در حقیقت نفی کردن دخالت و تصرف دیگران است ضمن اینکه مشیت امام نیز طبق قواعد و ضوابط است و وجود این قید نافذ ضابطه‌مندی و مقید بودن در حیطه شرع نمی‌باشد. ایجاد قاعده و ضابطه نیز صرف عصر حضور نبوده و به تبع اولی به عصر غیبت نیز قابل تعمیم خواهد بود. ولی فقیه هرچند در اوج عدالت نیز باشد، عدالت مانع از گناه است ولی مانع از اشتباه نمی‌باشد و بنابراین نمی‌توان بدون ضابطه در حوزه مصرف، مسئله انفال را باقی گذاشت و در شرایط حاضر که فقیه مبسوط الید است پرداختن به این حوزه یعنی تعیین سیاست‌های شرعی در حوزه هزینه و مصرف و استنباط ضابطه‌های مصرف و حتی تدوین راهبرد برای رفع سردرگمی‌ها از اولویت‌های بی‌بدیل این عرصه خواهد بود (سعدی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴).

۵-۱. ضوابط مصرف انفال با تکیه بر گاز به عنوان یکی از مصادیق انفال

نفت و گاز جزء معادن و معادن نیز جزء انفال و همان‌طور که بیان گردید در ملکیت حاکم اسلامی است که وی در جهت مصلحت عمومی هزینه می‌کند. در این بخش در کنار پرداختن به معیارهای مصرف انفال، نحوه تخصیص و مصرف گاز به عنوان یکی از مصادیق انفال مورد نظر قرار می‌گیرد. یکی از اصول مهم در مصرف و توزیع، رعایت عدالت اقتصادی است؛ زیرا بنیاد هستی و انسان بر عدل بنا نهاده شده و جامعه بشری

جز با قیام به قسط و گسترش عدالت قوام نمی‌یابد: «لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «در عدل است صلاح خلق و اقتداء کردن به سنت و طریقه خدا، و پا بر جا بودن دولت‌ها»^۱ (نوری، ۱۴۱۳ق، ۳۱۸) در خصوص قیمت‌گذاری و توزیع منابع پایان‌پذیر مانند نفت و گاز بحث عدالت درون نسلی و بین نسلی مطرح می‌گردد (لاجوردی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳ و ۲۹).

الف) عدالت درون نسلی

الف-۱) توازن اجتماعی

در خصوص عدالت درون نسلی بحث توازن اجتماعی در اسلام مطرح می‌گردد، معیار عدالت در توزیع درآمد و ثروت نیز همین توازن می‌باشد. شهید صدر توازن اجتماعی را هم‌سنگی و تعادل افراد جامعه در سطح زندگی و نه در سطح درآمد می‌داند. معنای هم‌سنگی در سطح زندگی این است که افراد جامعه به اندازه‌ای مال و سرمایه در اختیار داشته باشند که بتوانند از امکانات معمول زندگی به‌طور یکسان برخوردار شوند. البته، تفاوت درجه زندگی ممکن است؛ ولی تضاد کُلّی، آنچه‌آنکه در جوامع سرمایه‌داری مشاهده می‌شود، وجود نخواهد داشت (صدر، ۱۴۲۴ق، ۶۷۳).

در مصداق مورد بحث از آنجا که قرار است گاز طبیعی بین مصارف مختلف قیمت‌گذاری شده و توزیع گردد؛ در صورتی عدالت درون نسلی رعایت خواهد شد که موجبات به هم خوردن توازن اجتماعی ایجاد نگردد. جایی که گاز به عنوان مصارف خانگی توزیع می‌گردد و مصرف عمومی دارد با جایی که به بخش خصوصی مانند صنعت پتروشیمی داده می‌شود، متفاوت می‌گردد. قیمت‌گذاری همانطور که در آیه شریفه فوق آمد نباید منجر به توزیع نامتوازن ثروت گردد. بنابراین در صورت عدم تعیین درست قیمت گاز در جایی که مصرف یک بخش خاص از جامعه می‌باشد و عواید کم یا زیاد بودن قیمت گاز نیز به همین بخش خواهد رسید، به توازنی که وصف

۱. في العدل صلاح البرية و الاقتداء بسنة الله و ثبات الدول

آن آمد لطمه وارد مى‌كند. به عبارت ديگر ارزان فروشى گاز به يك بخش موجبات انباشت ثروت را در آن بخش ايجاد خواهد كرد و اين با مفهوم توازن مغاير مى‌باشد.

الف-۲) عدم تبعيض

موضوع ديگرى كه در خصوص عدالت درون‌نسلى مطرح مى‌گردد عدم تبعيض در توزيع فرصت‌ها و امكانات است كه نتيجه آن رفع فقر در جامعه مى‌باشد. با بررسى سيره امير مؤمنان مى‌توان اين اصل را استخراج نمود. به عنوان نمونه امام على در نامه به عامل خود در مكه، قثم بن العباس مى‌نويسد: «در مال خدا كه نزد تو گرد مى‌آيد، نظر كن، آن را به عيالمندان و گرسنگانى كه در نزد تو هستند و به محتاجان و فقيران برسان. و هر چه افزون آيد، نزد ما بفرست، تا ما نيز آن را به محتاجانى، كه نزد ما هستند، برسانيم» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۷). بنا بر اين حكومت اسلامى بايد به بهترين شكل سياست‌گذارى با لحاظ عدالت در دسترسى همگان به موهبت‌ها و منابع طبيعى، فقر و نيازهاى ضرورى جامعه را در كسب معاش رفع كند.

توزيع فرصت‌ها، توزيع امكانات و شرايط رسيدن همگان به يك موقعيت است. اين امكانات و شرايط شامل زمينه‌هاى بهره‌مندی از منابع طبيعى نيز مى‌شود. مجموعه انفال، مباحات عامه و منافع مشتركه (مانند جاده‌ها، خيابان‌ها و پارک‌ها) كه در ملكيت دولت اسلامى يا در اختيار اوست، فرصت‌ها و امكاناتى هستند كه در قلمرو عدالت اقتصادى قرار دارند.

مطالعه موردى اين تحقيق در خصوص تخصيص گاز براى مصرف آن در صنعت پتروشيمى مى‌باشد. همان‌گونه كه بيان گرديد اين صنعت در سال‌هاى گذشته خصوصى شده است. گاز طبيعى كه عمدتاً از مولكول متان تشكيل شده است مصارف ديگرى نيز دارد. گاز طبيعى مى‌تواند به صورت خام به كشورهاي نيازمنند صادر گردد يا در نيروگاه‌ها تبديل به برق شده و برق صادر گردد. از سوي ديگر به صورت تزريق در مخازن نفتى مصرف گردد كه افزايش ضريب بازيافت از مخازن نفتى را به همراه حفظ گاز تزريق شده به ارمغان مى‌آورد. همچنين مصرف گاز در داخل كشور و جايگزينى آن با فراورده‌هاي نفتى مانند بنزين و گازوئيل، علاوه بر حفظ منابع زيست محيطى به

بهینه‌سازی مصرف این فراورده‌ها و نجات دولت از بار سنگین یارانه‌های موجود و مخارج سنگین واردات این فراورده‌ها به کشور خواهد انجامید.

در کنار مصارف مختلف گاز، همان‌گونه که بیان شد فرآوری آن توسط صنایع پتروشیمی کشور یکی از با اهمیت‌ترین روش‌ها برای کسب ارزش افزوده از این منبع خدادادی است. صنعت پتروشیمی جزء صنایع پائین‌دستی نفت و گاز محسوب می‌شود که در آن عملیات فراورش روی هیدروکربن‌های موجود در نفت و گاز طبیعی انجام پذیرفته و در نهایت از طریق یکسری فرآیند شیمیایی محصولات تولیدی با ارزش افزوده بیشتر ایجاد می‌گردد.

توزیع گاز بین مصارف موجود و قیمت‌گذاری آن باید عادلانه بوده و نباید تبعیض‌آمیز باشد. به عبارت دیگر مطابق این ضابطه شیوه توزیع نباید سبب تبعیض گردد و فرصتی غیر عادلانه را برای یک مصرف‌کننده ایجاد نماید.

(ب) عدالت بین نسلی

در نگاه اسلام، همان‌طور که افراد گوناگون در درون یک نسل هیچ ترجیحی بر یکدیگر ندارند و توزیع ثروت براساس عدالت مورد امضای شارع قرار گرفته است، افراد نسل‌های گوناگون نیز در این مسئله از فرصت‌های یکسان برخوردارند و سبقت و یا تأخر نسلی بر نسل دیگر سبب بهره‌مندی بیشتر و یا محرومیت آن نخواهد شد. این مطلب از نگاه قرآن، روایت‌ها و نیز دلیل عقلی قابل اثبات است.

خطاب‌های عام قرآن مبنی بر اینکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است مسخر و فرمانبردار شما قرار داده (لقمان: ۳۱) یا خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آن‌ها است برای شما آفریده است یا زمین را خداوند برای مردم قرار داد، (رحمن: ۵۵) به‌طور صریح دلالت دارند بر اینکه نعمت‌های خداوند به افراد خاص، گروه‌های خاص و حتی مردم زمان یا مکان خاصی اختصاص ندارد بلکه همه مردم در بهره‌برداری از آن‌ها شریکند.

از روایت‌هایی که درباره اراضی مفتوح^۳ عنوه یعنی زمین‌هایی که با جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشد وارد شده نیز می‌توان اهمیت اسلام به نسل‌های آینده را پی برد.

در برخی از این روایت‌ها به حق نسل‌های آینده از این اراضی تصریح شده و در برخی نیز می‌توان از عمومی که درباره جمیع مسلمانان آمده است؛ حق نسل‌های بعد را نیز استفاده کرد. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق (علیه السلام) درباره زمین‌های عراق پرسش می‌شود، امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید: «این زمین‌ها برای تمام مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمانند و یا روزهای بعد مسلمان می‌شوند و نیز کسانی که بعد متولد می‌شوند» (حرّ عاملی، ۱۳۴۱ق، ج ۱۵، باب ۴۱، ح ۲).

ب-۱) توجه به آبادانی و عدم تعطیل منابع انفال

مطابق آیه قرآن در سوره مبارکه هود^۱ «خداوند انسان‌ها را از زمین آفرید و آنان را مأمور به آبادانی آن ساخته است» (هود: ۶۱). احیاء و آبادانی زمین وظیفه انسان موجود است و بر آن آثار حقوقی مترتب می‌کند و از اهمال و سستی در آباد کردن زمین که در اختیار کسی قرار گرفته و تعطیل و راکد گذاشتن آن پرهیز می‌دهد. در این زمینه روایاتی نیز داریم که مشوق احیاء و آبادانی زمین می‌باشد. از این آیه و روایات مربوطه می‌توان این‌گونه برداشت نمود که یکی از موارد منجر به آبادانی، مصرف صحیح منابع طبیعی است که هدیه زمین به خلق خداست. این منابع به‌خصوص منابعی مانند نفت و گاز، نباید معطل مانده و از آن استفاده‌ای نشود و این استفاده نیز باید صحیح باشد. تخصیص این منابع نیز باید به نحوی باشد که منابع به‌خصوص آن‌هایی که با کشورهای همسایه مشترک است معطل نمانده و به مصرف برسد. بنابراین گازی که قرار است ارزش افزوده ایجاد کند در تأسیسات سرچاهی تحت عنوان فلر در مشعل می‌سوزد یا توسط همسایگان مشترک با ما برداشت می‌گردد هم موجب خسران نسل فعلی و هم نسل آینده می‌شود. طبق آمار تا سال ۱۳۹۱ در ایران روزانه بالغ بر ۲۵ میلیون مترمکعب گاز در مشعل پالایشگاه‌ها و بدون کوچک‌ترین استفاده‌ای سوزانده می‌شد که معادل یک فاز پارس جنوبی است (میرجلیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۱). سوختن گاز در مشعل‌ها، علاوه بر زیان‌های مادی‌ای که دارد، عامل آلوده‌کننده محیط زیست هم برای نسل فعلی و هم نسل آینده است. این در حالی است که به عنوان مثال این گاز

۱. هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

می‌تواند ظرفیت بالقوه برخی از شرکت‌های پتروشیمی را بالفعل نماید. بنابراین باید موجبات مصرف صحیح این گاز را فراهم نمود.

ب-۲) ایجاد ارزش افزوده بیشتر در واگذاری و بهره‌برداری از منابع انفال

چنانچه تصمیم بر این باشد که منابع خاصی از انفال برای بهره‌برداری واگذار شود توانایی بهره‌بردار خصوصی یا دولتی در استفاده بهینه و کارا از منابع و همچنین ایجاد ارزش افزوده بیشتر نیز باید مدنظر قرار بگیرد. در خصوص تخصیص این منابع نیز همان‌طور که در ادامه بیان خواهد شد توجه به ایجاد ارزش افزوده می‌تواند به عنوان یکی از اصول مطرح گردد.

بعضی محققان بیان دیگری از این بحث داشته‌اند آن‌ها ملاک واگذاری را این‌گونه مطرح می‌کنند که نسل فعلی سرمایه طبیعی را به‌کار گرفته و به میزان بیشتری از دیگر سرمایه‌ها دست پیدا کند. تنها با این شرط می‌توان ثروت‌های طبیعی را بیشتر از نیاز به نسل فعلی داد (توحیدی نیا، ۱۳۹۱، ۱۲۷). بر این اساس توزیع مساوی منابع انفال به همه مردم برای بهره‌برداری مبنای قرار نمی‌گیرد، بلکه مهارت و توانایی نیز یکی از ملاک‌ها قرار می‌گیرد.

روایات متعددی نیز وجود دارد که ملاک مصرف چه در اموال شخصی و چه در اموال عمومی «میزان نیاز و حاجت» است. مازاد بر نیاز صرفاً در صورت تحقق ملاک بالا قابل پذیرش است. بنابراین می‌توان بیان کرد که اگر افراد جامعه توانایی لازم برای حفظ ثروت‌های طبیعی را نداشته باشند و بهره‌برداری غیرقابل قبولی را انجام دهند، ولی فقیه می‌تواند از استفاده آن‌ها جلوگیری کرده و به اندازه نیازهای ضروری حق بهره‌برداری را بدهد تا توانایی افراد طی زمان ارتقا یافته و استفاده کارا صورت بگیرد.

سؤال اساسی که در این‌جا مطرح می‌گردد این است که سرمایه طبیعی بر اساس چه معیاری به بخش‌های گوناگون اقتصادی تخصیص یابد و به دیگر سرمایه‌ها اعم از سرمایه فیزیکی، مالی، اجتماعی و ... تبدیل شود تا عدالت اقتصادی محقق شود؟ در پاسخ به این پرسش باید بیان کرد یکی از اصولی که در تخصیص منابع به بخش‌های اقتصادی و تبدیل سرمایه به دیگر سرمایه‌ها می‌تواند اهمیت داشته باشد، سهم‌بری بر

اساس میزان مشارکت در تولید و به تعبیر فارابی «عدل طبیعی» است؛ یعنی «محصول کوشش هر کسی به خودش برگردد» (منتظری، ۱۳۶۳). علامه جعفری، در ذیل آیه ۸۵ سوره مبارکه هود «و اشیای مردم را بی‌ارزش نکنید و در روی زمین فساد نکنید» می‌نویسد: «کار و کوشش مفید و ارزش‌هایی را که به وسیله یک فرد یا گروه پدید آمده فقط و فقط باید به حساب خود پدیدآورنده یا پدیدآورندگان آن‌ها منظور شود و هرگز به حساب دیگران گذاشته نشود» (جعفری، ۱۳۷۸، ۱۰۲). بنابراین بر اساس این مبنا، می‌توان فرض کرد که تعلق منابع طبیعی به بخش‌های گوناگون اقتصاد به منظور تبدیل به سرمایه‌های دیگر در آن بخش‌ها باید در حد ارزش افزوده‌ای که پدید آورده است، باشد. در خصوص مصرف منابع تجدیدناپذیری مانند نفت و گاز که عدالت بین نسلی باید در آن‌ها برقرار گردد نیز توجه به ایجاد ارزش افزوده حاصل از فروش این منابع برای اقتصاد ملی فوق‌العاده مهم است. اهمیت این موضوع به حدی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در خصوص افزایش ارزش افزوده به تکمیل زنجیره ارزش در صنایع پایین دست نفت و گاز به‌طور صریح اشاره گردیده است که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته می‌شود.

۶. ارزیابی وضعیت موجود زنجیره ارزش افزوده در صنعت پتروشیمی

صنعت پتروشیمی از صنایع پایین دستی نفت و گاز می‌باشد که منجر به ایجاد ارزش افزوده در این منابع می‌گردد. در این قسمت به این موضوع می‌پردازیم که آیا صنعت پتروشیمی کشور در سطح تولید فعلی، نقش مطلوب و تأثیرگذاری در تکمیل زنجیره ارزش ایفا کرده است؟ به منظور پاسخ به سؤال مذکور، در این قسمت پویایی صنعت پتروشیمی کشور بررسی شده است. تحلیل‌های این تحقیق حاکی از آن است که در سال‌های اخیر با وجود کاهش صادرات محصولات پایه شیمیایی به دلیل شرایط خاص کشور و انتظار تبدیل این محصولات در صنایع میانی و در نتیجه افزایش تولید و صادرات در این بخش، صادرات محصولات میانی نسبت به روند گذشته خود، تغییر چندانی نداشته است. این مسئله گویای این نکته است که متأسفانه در سال‌های اخیر صنایع میانی به عنوان حلقه واسط صنایع بالادست و نهایی، توسعه کافی پیدا نکرده و

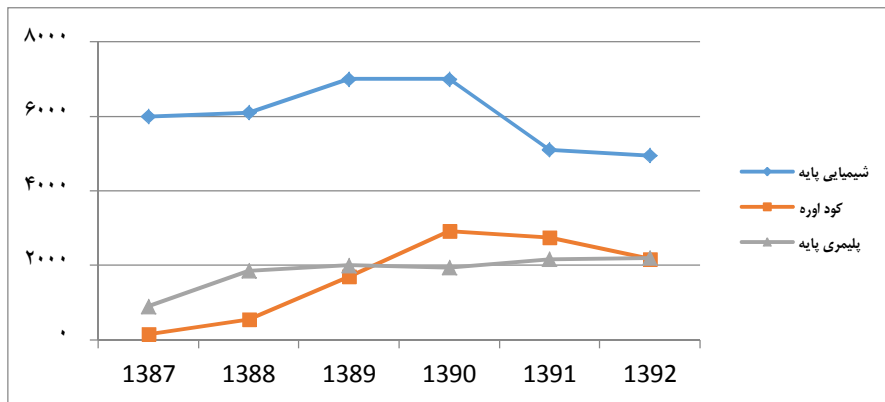
سبب ناقص شدن زنجیره ارزش در صنعت پتروشیمی شده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۲، به طور متوسط ارزش هر تن محصول پتروشیمی صادراتی کشور حدود ۸۶۴ دلار بوده در حالی که ارزش هر تن محصول وارداتی ۲۲۴۸ دلار بوده است (میرجلیلی، ۱۳۹۳، ۹). شکاف میان ارقام مذکور، نشان‌دهنده غالب بودن سهم محصولات صادراتی با ارزش افزوده پایین و مؤید کامل نبودن زنجیره ارزش این محصولات و به تعبیری خام فروشی در این صنعت است.

با توجه به ظرفیت مطلوبی که قبلاً در صنایع بالادست و صنایع نهایی پتروشیمی کشور ایجاد شده و با توجه به امکان اجرای پروژه‌ها در بخش صنایع میانی با سرمایه کمتر، توسعه صنایع میانی و به ظرفیت رساندن صنایع نهایی پتروشیمی کشور و ایجاد صنایع نهایی با فناوری بالاتر می‌تواند تأثیر بسزایی در تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی داشته باشد.

در بررسی روند صادرات محصولات پتروشیمی در دو بخش صنایع بالادست و صنایع پایین دست، نکات زیر حائز اهمیت است:

الف) همان‌گونه که در نمودار ۱ نشان داده شده است صادرات محصولات شیمیایی پایه و کود اوره (کوه پایه) در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ به دلیل وجود تحریم‌ها روند نزولی داشته است. براساس آمار موجود، عمده این کاهش در گروه محصولات شیمیایی پایه مربوط به محصول متانول بوده است (سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران). به عبارت دیگر متکی بودن به درآمدهای صادراتی محصولات با ارزش افزوده کمتر، در شرایط تحریم و بحرانی، صنعت پتروشیمی کشور را نیز آسیب‌پذیر می‌کند. این در شرایطی است که تمرکز عمده برنامه پنجم توسعه صنعت پتروشیمی بر تولید دو محصول متانول و اوره است و در صورت حذف این دو محصول از اولویت‌های برنامه مذکور، فقط حدود ۳۵ درصد برنامه قابلیت اجرا خواهد داشت.

نمودار ۱. روند صادرات محصولات شيميايى پایه، کود اوره و پليمرهاى پایه طى سالهاى ۱۳۸۷-۱۳۹۲

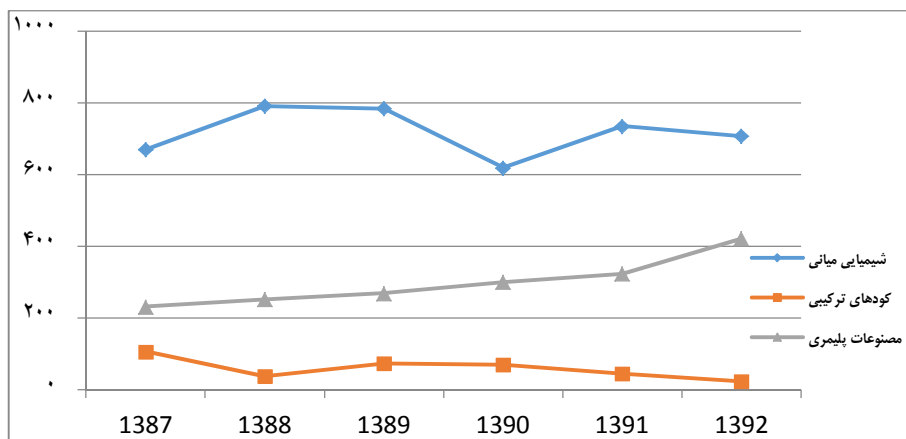


(محاسبات تحقيق بر اساس آمار سايت گمرک جمهوری اسلامی ايران)

ب) روند صادرات محصولات شيميايى ميانى، کودهاى تركيبى و مصنوعات پليمرى در نمودار ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۲. روند صادرات محصولات شيميايى ميانى، کودهاى تركيبى و مصنوعات پليمرى طى سالهاى

۱۳۸۷-۱۳۹۲



(محاسبات تحقيق بر اساس آمار سايت گمرک جمهوری اسلامی ايران)

با وجود کاهش صادرات محصولات شيميايى پایه و کود اوره که در نمودار ۱ به خوبي نشان داده شد؛ انتظار بر اين بود که با مصرف اين محصولات در داخل کشور و در صنايع ميانى پتروشيمى، با افزايش توليد و صادرات محصولات ميانى، کاهش

صادرات در بخش بالادست جبران شود، اما براساس اطلاعات نمودار ۲ صادرات محصولات میانی شیمیایی و کودهای ترکیبی نسبت به روند گذشته خود، تغییر محسوسی نداشته است. دلیل اصلی این موضوع عدم ظرفیت سازی مناسب در صنایع میانی صنعت پتروشیمی و در نتیجه عدم امکان جذب محصولات صنایع بالادست این صنعت بوده است.

اما در بخش مصنوعات پلیمری با وجود افزایش صادرات پلیمرهای پایه، به دلیل وضع ممنوعیت‌های صادرات (در پی افزایش شدید قیمت محصولات پلیمری در داخل)، میزان فروش داخلی این محصولات در داخل افزایش یافت و به دنبال آن به دلیل ایجاد ظرفیت در بخش صنایع پایین دستی طی سال‌های گذشته، تولید و به تبع آن صادرات با متوسط رشد سالیانه ۱۳ درصد در این بخش، مواجه شد (میرجلیلی، ۱۳۹۳، ۱۵).

براساس تحلیل‌های مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر چند تکمیل زنجیره ارزش محصولات پتروشیمی به منظور توسعه پایدار صنعت پتروشیمی همواره از اهداف کلان تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان این صنعت بوده، اما در عمل توسعه زنجیره ارزش این صنعت، نامتوازن بوده است.

۷. انطباق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با ضوابط مصرف انفال

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در ادامه و با هدف تکمیل سیاست‌های گذشته، به‌خصوص سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور است. یکی از بخش‌های کلیدی که در تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی راه‌گشا خواهد بود، و موضوع این مطالعه قرار گرفته صنعت پتروشیمی است. با وجود اهمیت این صنعت به عنوان یک صنعت راهبردی، یکی از چالش‌های عمده‌ای که گریبان‌گیر این صنعت است به خصوص بعد از خصوصی شدن این صنایع، وجود ابهام در قیمت خوراک و میزان توزیع آن می‌باشد. همان‌طور که بیان شد گاز طبیعی که جزء انفال می‌باشد به عنوان ماده اولیه یا خوراک این صنایع محسوب می‌شود. قیمت‌گذاری و توزیع این گاز مطابق با ضوابطی می‌باشد که از فقه ناب شیعی به دست می‌آید که به آن اشاره گردید. در این بخش ثابت می‌شود معیارها و

شاخص‌هایی که از چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی استخراج می‌گردد قابلیت تطبیق با ضوابط مذکور را دارد.

مطابق فرمایشات مقام معظم رهبری بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، هدف از ابلاغ آن، تنها ارائه نقشه راه نیست بلکه ارائه معیارها و شاخص‌های لازم و صحیح برای پیمودن راه نیز مد نظر بوده است (بیانات در دیدار با مسئولان دستگاه‌های مختلف، ۱۳۹۲/۰۳/۲۰). از نظر ایشان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، فقط برای شرایط کنونی نیست بلکه یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور و رسیدن به اهداف بلند اقتصادی نظام اسلامی است. با اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص‌هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی بوجود خواهد آمد.

مطابق بیانات معظم له عدالت اجتماعی، مهم‌ترین شاخص، در میان این شاخص‌ها است زیرا نظام اسلامی، رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد (همان). عدالت و توازن اجتماعی یکی از ضوابط مصرف انفال بود که در بخش قبل به آن اشاره شد.

۷-۱. تحلیل بندهای مرتبط سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با ضوابط توزیع و مصرف انفال با تأکید بر صنعت پتروشیمی

در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بندهای مختلفی در خصوص صنایع بالادستی و پایین دستی نفت و گاز آورده شده است که از برخی از این بندها می‌توان ضوابط و معیارهایی را برای توزیع و مصرف نفت و گاز استخراج نمود. به عنوان مثال موضوع بندهای «۱۳» و «۱۵» سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی، افزایش صادرات محصولات پتروشیمی و تکمیل زنجیره ارزش در این صنعت است. براساس بررسی فوق در خصوص وضعیت صنعت پتروشیمی، طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۲، صادرات محصولات صنایع پایین دستی رشد متوسط سالیانه ۱۳ درصد داشته است که عامل این رشد، افزایش فروش داخلی محصولات صنایع بالادستی آن‌ها و فعال شدن ظرفیت‌های ایجاد

شده بدون استفاده در این بخش بوده است. اما بررسی روند صادرات محصولات پتروشیمی در صنایع بالادست و میانی نتایج دیگری را رقم می‌زند. وضعیت موجود صنعت پتروشیمی کشور با مقاصد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی یعنی تکمیل زنجیره ارزش و صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا، فاصله دارد. به منظور مقاوم‌سازی این صنعت باید تلاش شود تا از خام‌فروشی و فروش مواد اولیه مورد نیاز صنایع میانی پایین دست در این صنعت جلوگیری شود. توجه به این امر مهم علاوه بر مواد قانونی متعدد، در بند «۱۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است. بند «۱۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد بر حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت تأکید دارد. به سایر بندهای مرتبط در ذیل اشاره شده است:

بند (۱) فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط. استفاده مطلوب از سرمایه انسانی نقش بسزایی در رشد و شکوفایی کشور دارد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانونی اساسی و سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی با هدف مشارکت حداکثری مردم در اقتصاد، تدوین و ابلاغ شده است. لکن باید با عملیاتی کردن تمامی ابعاد این سیاست‌ها، از جمله توانمندسازی بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت مردمی، منابع به‌طور عادلانه توزیع شود. توزیع متوازن ثروت‌ها و منابع طبیعی می‌تواند گامی در جهت ارتقای درآمد اقشار کم‌درآمد جامعه باشد مطابق با ضابطه‌ای که در خصوص استفاده از انفال بیان شد.

بند (۴) استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی.

هدفمندسازی به صورت اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، به‌خصوص مورد این مطالعه یعنی گاز، یکی از اقدامات ایجاد توازن اجتماعی و عدم تبعیض و جلوگیری از اسراف می‌باشد.

بند (۵) سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش.

همان‌طور که در بخش ضوابط مرتبط با عدالت بین نسلی عنوان گردید یکی از اصولی که در تخصیص منابع به بخش‌های اقتصادی و تبدیل سرمایه به دیگر سرمایه‌ها می‌تواند اهمیت داشته باشد، سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در تولید و به تعبیر فارابی «عدل طبیعی» است. بنابراین هر بخش بر اساس این مبنا باید متناسب با ارزش افزوده‌ای که ایجاد می‌کند از منابع انفال بهره‌بردار. بند ۱۰ این سیاست‌ها نیز حمایت همه‌جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات را متناسب با ارزش افزوده‌ای که ایجاد می‌کند، عنوان نموده است.

بند (۱۳) مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق افزایش صادرات گاز، افزایش صادرات پتروشیمی و سایر موارد.

در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به موضوع افزایش صادرات اشاره شده است، اما نکته بارز، تأکید بر حمایت از صادرات متناسب با ارزش افزوده است. با بررسی سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی می‌توان به این نکته مهم دست یافت که هدف نهایی این سیاست‌ها، تقویت صادرات و تحقق صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاست که در نتیجه تکمیل زنجیره ارزش تولید می‌تواند به دست آید.

بند (۱۴) تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میداین مشترک. کوتاهی، اهمال و سستی در خصوص توسعه در منابعی مانند نفت و گاز به‌خصوص آن‌هایی که با کشورهای همسایه مشترک می‌باشد مطابق آیات و روایاتی که ذکر آن گذشت امری مذموم بوده و این اصل از اصول اقتصاد مقاومتی بر این نکته تأکید وافر دارد. گازی که از استحصال این میداین به دست می‌آید می‌تواند به عنوان خوراک در صنعت پتروشیمی یا مصارف دیگر استفاده گردد. کوتاهی در این امر نه تنها به نسل فعلی بلکه به نسل‌های آینده نیز صدمه وارد می‌کند و این مسئله مسؤلیت نسل حاضر را بیشتر می‌کند.

بند (۱۵) افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز. یکی از راه‌های مقاوم کردن بخش‌های اقتصادی کشور، تکمیل زنجیره ارزش در این بخش‌هاست. با ایجاد ظرفیت در صنایع میانی و پایین دست هر صنعت، می‌توان علاوه بر ارزش افزوده بیشتر، از منابع اشتغال‌زائی، صرفه‌جویی ارزی و حمایت از تولید

داخل بهره‌مند شد. برای نمونه، هزینه ایجاد یک شغل به ازای تولید یک میلیون تن محصول در صنایع بالادستی پتروشیمی ۱۸۸۰ هزار دلار، در صنایع میانی پتروشیمی ۱۵۴۵ هزار دلار و در صنایع نهایی ۳۴ هزار دلار برآورد شده است. این بدان معنا است که با حرکت به سمت زنجیره‌های نهایی صنعت پتروشیمی، با سرمایه کمتر، اشتغال بیشتری ایجاد می‌شود (ماهنامه پیام پتروشیمی، ۱۳۹۲، ۲۴).

بند (۱۸) افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

در ادبیات اقتصادی چند دهه گذشته، مسئله زیان‌بار بودن اتکا به منابع طبیعی و درآمدهای حاصل از آن و رابطه منفی بین افزایش درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و رشد اقتصادی بسیار مورد تأکید اقتصاددانان قرار گرفته است. یک عامل تأثیر منفی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی، هزینه نمودن ناکارای درآمدهای حاصل از این منابع است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بیشتر نظرات مرتبط با نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی، مؤید نقش منفی و ضد توسعه‌ای منابع طبیعی در رشد اقتصادی متکی بر داده‌های آماری کشورهای است که نتوانسته‌اند درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و به‌طور کلی سازوکار بهره‌برداری از این منابع را به‌درستی مدیریت کنند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۱۳). ارائه الگوی مطلوب بهره‌برداری و مصرف انفال و منابع طبیعی می‌توان مسیر رشد اقتصادی را هموار نماید (فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ۱). صندوق توسعه ملی مورد اشاره در این بند نیز با هدف کمک به قطع وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی از طریق اختصاص بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز به ثروت‌های ماندگار و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل شده است. این بند نیز در راستای رعایت عدالت بین نسلی است که ذکر آن در بخش ضوابط مصرف انفال گذشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نوع نگاه و تفاوت دیدگاه به انواع مالکیت و همچنین مالکیت انفال منجر به تفاوت نظریات صاحب‌نظران در خصوص تعیین تکلیف مالکیت مصادیق انفال گردیده است. در تحقیق پیش رو به منظور تبیین معیارها و ضوابط مصرف انفال ابتدا به بررسی مالکیت انفال پرداخته شد و با تأیید نظریه وحدت میان مالکیت امام و مالکیت مسلمین

به كمك ادله روايى و عقلى، ثابت شد كه انفال به منصب امامت و ولايت تعلق دارد. به نظر مى‌رسد با توجه به ادله و اينكه مالكيّت امام را بايد سلطه و مُلك دانست نه ملك شخصى، نبايد قائل به تفكيك مالكيّت عمومى و مالكيّت امام شد. از آنجا كه ائمه (عليه‌السلام) اين منصب را در دوران غيبت بر عهده فقيه جامع‌الشرايط قرار داده‌اند، كليّه اختيارات حكومتى من جمله تصرف در انفال نيز به نيابت از امام معصوم بر عهده ايشان مى‌باشد. مصرف انفال هر چند طبق اراده و مشيت امام است ولي نمى‌تواند بدون ضابطه باشد. نتايج اين تحقيق حاكى از يكسرى اصول و ضوابطى است كه قابل استخراج از فقه شيعه بوده و بايد هنگام تصرف در منابع انفال مورد توجه قرار گيرد. به منظور فهم بيشتر ضوابط يك مطالعه موردى در خصوص صنعت پتروشيمى كه يكي از مصرف‌كنندگان انفال مى‌باشد انجام شده است. اين صنعت يكي از صنايع كليدى و مورد توجه در سياسات‌هاى كلى اقتصاد مقاومتى مى‌باشد. وضعيت موجود اين صنعت نشان مى‌دهد كه توسعه زنجيره ارزش، نامتوازن بوده است. و با مقاصد سياسات‌هاى كلى اقتصاد مقاومتى يعنى تكميل زنجيره ارزش و صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا، فاصله دارد. نتايج تحقيق نشان مى‌دهد معيارها و شاخص‌هاى كه از چارچوب سياسات‌هاى كلى اقتصاد مقاومتى استخراج مى‌گردد قابليت تطبيق با ضوابط مصرف انفال كه بر گرفته از مبانى فقهى مى‌باشد را به شرح جدول زير دارد:

سياسات‌هاى شرعى و ضوابط مصرف	بندهاى اقتصاد مقاومتى مرتبط
ايجاد توازن اجتماعى و عدم تبعيض و جلوگيرى از اسراف	بند ۴
توجه به ارزش افزوده متناسب با ميزان مصرف	بند ۵، ۱۳ و ۱۵
توسعه پايدار به عنوان تضمين رعايت عدالت بين نسلى	بند ۱۸
توجه به آبادانى و عدم تعطيل منابع انفال	بند ۱۴
توزيع متوازن ثروت‌ها و منابع طبيعى	بند ۱
عدالت اجتماعى	بيانات مقام معظم رهبرى در تبين سياسات‌ها

مطابق ضوابط مذكور و بندهاى «۱۳» و «۱۵» سياسات‌هاى كلى اقتصادى مقاومتى، تعلق منابع طبيعى به بخش‌هاى گوناگون اقتصاد به منظور تبديل به سرمايه‌هاى ديگر در آن بخش‌ها بايد در حد ارزش افزوده‌اى كه پديد آورده است، باشد. بنا بر اين اگر قرار

باشد که گاز طبیعی به عنوان یکی از منابع انفال به شرکت‌های پتروشیمی که بخش خصوصی هستند داده شود از آنجا که گاز مصارف دیگر دارد، توجه به ارزش افزوده ایجاد شده در این صنعت ضروری است. ارزش افزوده نیز جز با تکمیل زنجیره ارزش در این صنعت ایجاد نمی‌گردد. همان‌طور که در مطالعه موردی نشان داده شد، این صنعت هنوز در ایجاد ارزش افزوده متناسب با گاز تحویلی با مشکل مواجه است. بنابراین از آنجا که طبق نتایج تحقیق در عمل توسعه زنجیره ارزش این صنعت، نامتوازن بوده است، لازم است تخصیص و قیمت‌گذاری گاز طبیعی به نحوی باشد که مشوق و انگیزاننده این شرکت‌ها در جهت تکمیل زنجیره ارزش و ایجاد محصولات با ارزش افزوده بالا باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان دستگاه‌های مختلف، ۱۳۹۲/۰۳/۲۰، به نقل از <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795>
- امانی، مسعود (۱۳۸۹)، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)
- اعتمادی، محمد (۱۳۹۲)، «مالکیت معادن از دیدگاه فقه امامیه»، فصلنامه فقه اقتصادی، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۲.
- توحیدی نیا، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، مدل اسلامی - ایرانی عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر؛ مطالعه موردی منابع نفت ایران، رساله دکترا، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، کار و ثروت در اسلام، تهران: انتشارات پیام آزادی
- حبیبی، محمدحسن؛ نجارزاده هنجنی، مجید (۱۳۸۸)، «ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی»، فصل‌نامه حقوق خصوصی، شماره یازدهم.
- حقانی زنجانی، حسین (۱۳۷۴)، تحقیقی درباره انفال یا ثروت‌های عمومی، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (علیه‌السلام).
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، قم، انتشارات سمت
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت

تطبيق سياسات‌های کلی اقتصاد مقاومتی با مبانی فقهی مصرف انفال (مورد مطالعه: خوراک گاز صنعت پتروشیمی) ۱۸۲

رضایی، محمد، یآوری، کاظم (۱۳۹۴)، بررسی اثر وفور منابع طبیعی (نفت و گاز) بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۴.
سبحانی، جعفر (۱۳۷۸)، سیمای اقتصاد اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
سعدی، حسینعلی (۱۳۹۲)؛ بررسی انفال در عصر غیبت با تکیه بر مسائل مستحدث، رساله دکتری، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲)

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ق)، اقتصادنا، قم: بوستان کتاب قم، مرکزالنشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۵)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۳، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۹، قم، جامعه مدرسین.
عاملی، حر (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب ۱۸، ابواب احیاء موات، انتشارات آل البيت لإحياء التراث قم.

عاملی، حر (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ج ۶، ب ۲ از ابواب انفال، انتشارات آل البيت لإحياء التراث قم.

عاملی، حر (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۴۱ از جهاد عدو، انتشارات آل البيت لإحياء التراث قم.

علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۸ ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عمیدی، سید عمیدالدین (۱۴۱۶ق) کنزالفوائد فی حل مشکلات القواعد، جلد ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۵)، بهره برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱

گمرک جمهوری اسلامی ایران www.irica.gov.ir

لاجوردی، سیدعدنان، رضایی، محسن، سید حسین زاده یزدی، مجتبی (۱۳۹۳)، معیارهای توزیع عادلانه منابع طبیعی تجدیدناپذیر در نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۵۵

ماهنامه پیام پتروشیمی (۱۳۹۲)، روابط عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، شماره ۷۰

- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن*، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- میرجلیلی، فاطمه، اژدری، علی اصغر، (۱۳۹۲)، «ارزیابی عملکرد صنعت گاز و پتروشیمی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۴۹۰
- میرجلیلی، فاطمه (۱۳۹۳)، «تحلیل راهکارهای اجرایی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در صنعت پتروشیمی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۷۰۷
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸)، *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه*، ج ۱ و ۲، قم: مرکز العاملی الدراسات الاسلامیه
- محمود البعلی، عبدالحمید (۱۴۲۱ق)، *اصول الاقتصاد الاسلامی*، دمام، دارالراوی للنشر و التوزیع
- محمد بن حسن طوسی (۱۳۹۰)، *الاستبصار*، ج ۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۶)، *الولایه الالهیه الاسلامیه او الحکومه الاسلامیه زمن حضور المعصوم و زمن الغیبه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، جلد ۲.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۱۳ق)، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱
- وزیری فرد، سید محمد (۱۳۸۹)، «حدود و مالکیت انفال در پرتو آیات حکیم»، *فصلنامه فقه و مبانی حقوق*، شماره ۲، ص ۱۱۷ تا ۱۳۲.